



بررسی تطبیقی سیاست خارجی باراک اوباما و دونالد ترامپ در قبال بحران سوریه (سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱)

امیرحسین علی خانی^۱، پریسا پارسا^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

۲- دانش آموخته ی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

بیش از ۶ میلیون سوری آواره شده در این کشور، بیش از ۵ میلیون نفر فرار به کشورهای اطراف سوریه، تخریب بیش از حد مناطق کشور، اقتصاد و آینده ی مردمان سوریه، کشته شدن بیش از ۵۰۰ هزار نفر در درگیری های سوریه و صرف بودجه های کلان کنگره ی آمریکا تنها بخشی از واقعیت کشور سوریه ۲ سال بعد از به دست گرفتن ریاست جمهوری توسط باراک اوباما میباشد. ایالات متحده با پیگیری مصرانه منافع خود در این منطقه راهبرد سیاست خارجی خود را در برابر تضعیف محور مقاومت و تقویت اسرائیل بنا نهاده است. بخشی از واقعیت جامعه امروزی سوریه به دلیل دخالت های روزافزون آمریکا و کشورهای دیگر برای منافع ملی خود میباشد. کشور سوریه با واقع شدن در بخشی ژئوپلیتیک و حساس از منطقه ای بحران زای خاورمیانه به میدانی برای برخورد قدرت ها تبدیل شده و از نظر بین المللی در معادلات جهانی دارای اهمیت خاصی میباشد؛ دو بازیگر مهم این منطقه از طرفی محور مقاومت، تشکیل شده از جمهوری اسلامی ایران، حزب الله لبنان، دولت بشار اسد سوریه و در حاشیه آن روسیه و ترکیه راهبرد استراتژیک خود را در برابر بازیگر دیگر یعنی اسرائیل و آمریکا قرار داده اند. در این مقاله با بررسی تطبیقی رویکرد فرد محور باراک اوباما و دونالد ترامپ در پی تبیین رفتار و رویکرد ایالات متحده در منطقه و کشور سوریه میباشد.

کلمات کلیدی: بحران - جنگ داخلی - سوریه - تروریسم - آمریکا



مقدمه

شناخت سیاست خارجی و راهبردهای مورد استفاده رهبران ایالات متحده همواره یکی از موضوعات و دغدغه‌های علوم سیاسی بوده. به دلیل ذات متغیر و سیال سیستم بین‌المللی که دارای سطوح مختلف تحلیلی است شرایط را برای اندیشمندان این علم برای نیل به واقعیت، شناخت، پیش‌بینی و کنترل یک واقعه همواره سخت کرده است. در این بین خاورمیانه با وجود منابع نفت و گاز، همواره از مهم‌ترین مناطق جهان به حساب آمده و رهبران کشورها رویکردهای مختلفی برای ورود و دخالت به این منطقه در پیش گرفته‌اند. کشور سوریه به ریاست جمهوری بشاراسد بعد از بهار عربی و مخصوصاً اعتراضات مارس ۲۰۱۱ به صورت مرکز ثقل این منطقه جلوه‌گر شد. ناتوانی اولیه بشاراسد در کنترل معترضان و شورشیان، ظهور گروهک‌ها تروریستی و بیشتر شدن فعالیت آن‌ها، دخالت آمریکا، کشتار وسیع مردم و نقض حقوق بشر همگی معلول ذات متغیر نظام بین‌الملل می‌باشد. سیاست خارجی آمریکا در قبال بحران سوریه ترکیبی از راهبردها و دکترین‌های مختلف از تلاش‌های دیپلماتیک گرفته تا حمله مستقیم به خاک سوریه همگی به منظور نیل به اهداف و ارتقای منافع ملی ایالات متحده بوده.

بقای سوریه از مهمترین متغیرهای موثر در ساختار منافع حیاتی ایران است. سوریه گذرگاه ایران در منطقه و رابط بین جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان بوده و به عنوان دژ محکمی در مقابل ماجراجویی بیش از حد رژیم صهیونیستی اسرائیل و سدی در برابر نفوذ عربستان و ایالات متحده است. آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر فعلی جمهوری اسلامی ایران در موضع‌گیری رسمی خود در سال ۱۳۹۰ گفت: "هدف اصلی طراحی آمریکا در سوریه، ضربه زدن به خط مقاومت در منطقه است زیرا سوریه از مقاومت فلسطین و مقاومت اسلامی لبنان حمایت می‌کند. موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال سوریه، حمایت از هرگونه اصلاحات به نفع مردم این کشور و مخالفت با دخالت آمریکا و کشورهای دنباله‌رو آن، در مسائل داخلی سوریه است."

باراک اوباما چهل و چهارمین رئیس‌جمهور آمریکا با شعار تبلیغاتی امید و تغییر، اولویت خود را خاتمه دادن به جنگ عراق به دلیل هزینه سرسام‌آور جنگ و بحران اقتصادی ۲۰۰۹ قرار داد. برای همین منظور اوباما برخلاف اسلاف و رهبران قبلی آمریکا تمرکز خود را بیشتر بر مسائل داخلی گذاشته و با تاکید به چندجانبه‌گرایی و عدم تمایل حضور مستقیم در جهان، باعث تغییر سیاست خارجی ایالات متحده شد. با نگاه به رویکرد تدافعی اوباما متوجه استفاده وی از راهبرد موازنه از راه دور خواهیم شد. این راهبرد اجازه‌ی دور نگه داشتن خود از مناقشه را به منظور کاهش هزینه می‌دهد و فقط برای حفاظت از منافع حیاتی، نیروی نظامی به عنوان راهکار پیشنهاد می‌شود. ولی پیدایش داعش معادلات اوباما را بر هم زده و او را مجبور به تغییر راهبرد استراتژیک می‌کند. ترامپ رئیس‌جمهور بعدی آمریکا دارای ویژگی‌های شخصیتی پیش‌بینی‌ناپذیر، خودمحور، رادیکال و بدبین نسبت به نظام بین‌الملل سیاست خارجی خود را متفاوت با اوباما قرار داده و نسبت به استفاده از گزینه نظامی علاقه دارد. وی حمله شیمیایی سوریه را به شدت پاسخ داده و مبارزه با دولت اسلامی عراق و شام (داعش) را در رأس برنامه‌ریزی سیاست خارجی خود قرار می‌دهد. سیاست خارجی ترامپ در مقایسه با اوباما مبین



نظامی تر و تهاجمی تر شدن رویکرد آمریکا می باشد. ترامپ اولویت های خود را کسب چهره اقتدارآمیز برای آمریکا قرار داده و نیروی نظامی را اولین گزینه حل مشکلات قلمداد میکند.

این پژوهش از این منظر حائز اهمیت است که با توجه به واقع شدن کشور ما ایران فارق از هر ایدئولوژی، در منطقه خاورمیانه ی پیش بینی ناپذیر، باعث شده تا چینش استراتژیک، نحوه تعامل، راهبرد و سیاست خارجی ایران همواره دغدغه ی تصمیم گیران و اندیشمندان علوم سیاسی واقع شود. شناخت مهمترین مانع و رقیب جدی ایران در منطقه خاورمیانه یعنی ایالات متحده باعث به وجود آمدن امکان تبیین کنش احتمالی و پیش بینی اقدام این کشور فراهم میکند.

پیشینه پژوهش

بلدر بریفی در کتاب سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه به بررسی کنشگری آمریکا در منطقه آسیای جنوب شرقی از منظر واقع گرایی تهاجمی میپردازد و هدف آمریکا را جلوگیری از ظهور یک قدرت منطقه ای میداند. راهبرد آمریکا را در زمان و مکان های مختلف، متفاوت و متغیر مانند تحریم سیاسی، فشار دیپلماتیک، نهاد گرایی و استفاده از نیروی نظامی می انگارد.

علی باقری دولت آبادی در مقاله خود تحت عنوان (مقایسه سیاست های اوپاما و ترامپ در برابر بحران سوریه) به تفاوت ها، علت حوادث و چرایی جنگ سوریه و دخالت دو رییس جمهور میپردازد. با توجه به مورد توجه قرار گرفتن بحران سوریه در مطبوعات و رسانه، آمریکا و سیاست خارجی آن بیشتر از پیش به میان می آید. دولت آبادی فرضیه خود را حفظ اسرائیل را معلول مهار قدرت ایران و اعمال آمریکا گذاشته و سیاست خارجی آمریکا را تضعیف سوریه میداند.

مجید جعفری در کتاب خود تحت عنوان سوریه در بحران نقشه آمریکا در خاورمیانه را برقراری امنیت برای رژیم صهیونیستی و ضربه به مقاومت اسلامی میداند. وی معتقد است به وجود آمدن داعش و گروه های تروریستی منبعت از شاخه های القاعده معلول طراحی بحران ایالات متحده برای تضعیف سوریه، قطع نفوذ ایران و از بین بردن حزب الله می باشد. حسین کی شمس فالچی در اثر خود تحت عنوان سیاست خارجی آمریکا در قبال تحولات سوریه از سال (۲۰۱۷ - ۲۰۱۱) تلاش میکند ارتباط بین سیاست و تصمیمات مسئولین کاخ سفید در قبال بحران سوریه را کشف کند. وی اسرائیل و لابی های پر قدرت این کشور را به عنوان متغیر مداخله گر در نظر گرفته و همچنین نتیجه گیری میکند که ساختار قانونی آمریکا بستر مناسبی برای گروه و لابی های نفوذ به منظور تاثیر گذاری بر تصمیم گیری داخلی و خارجی این کشور فراهم میکند.

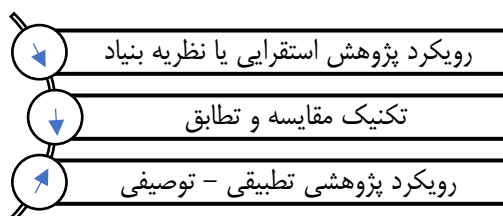
میثم صفری در کتاب خود تحت عنوان جنگ جهانی بر ضد سوریه به موضوع شکست توطئه علیه محور مقاومت پرداخته و روابط سوریه با ایران و حزب الله لبنان را عاملی میداند که آمریکا را مجبور به براندازی نظام حاکم سوریه و دخالت در آن کرد. آمریکا با همراهی ۱۳۳ کشور در پی از بین بردن دولت بشاراسد در سوریه بود؛ تمامی این کشورها معتقد بودند نظام قانونی سوریه تحمل مقاومت در برابر دسیسه ها را نداشته و نیروهای نظامی و حکومتی سوریه یارای مقابله با غرب را



نخواهد داشت و فروپاشی رژیم حاکم سوریه حتمی می‌باشد؛ اما برخلاف انتظار، سوریه با کمک متحدان اندک خود مانند ایران و روسیه توانست دژ محکمی در برابر آماج غرب و توطئه صهیونیست‌ها باقی بماند.

روش تحقیق

با توجه به موضوع پژوهش و محدودیت‌های موجود، رویکرد این پژوهش از راهبرد استقرایی یا شواهد بنیان (رویکرد کاوش نظام مند) استفاده می‌کند؛ بدین منظور از روش بررسی تطبیقی - توصیفی برای شناخت و فهم یک موضوع از طریق مشاهده و تطابق، انتخاب پدیده‌های مربوط به هم در صدد بیان شباهت و تفاوت‌های موضوع مورد بررسی به کوشش نظری می‌پردازیم.



بحران سوریه

خاورمیانه از منظر ژئوپلیتیکی در مرکز تحولات و بحران‌های امنیتی و نظامی از قرن ۲۰ تا به امروز می‌باشد. در بررسی شکل‌گیری بحران سوریه نمیتوان تحولات و وقایع بهار عربی را نادیده گرفت؛ این مجموعه از انقلابات باعث زد و خورد بین مردم و حاکمیت، بروز خشونت و تغییر نظام سیاسی در کشورهایی مانند مصر، تونس، یمن و لیبی شد. کشور سوریه هم با واقع شدن در منطقه خاورمیانه از این تحولات مصون نمانده و آثار انقلاب به آن سرایت کرده است. سوریه با داشتن رژیم انحصاری، تک حزبی و سکولار با تبعیت از الگوهای اقتدارگرایانه به ریاست جمهوری بشار اسد دارای مشکلات فراوان اقتصادی، قومی، امنیتی و ... می‌باشد. تنوع قومی، اقلیتی و مذهبی از مهمترین زمینه توسعه بحران در سوریه محسوب میشود؛ دولت و همچنین مردم سوریه از دخالت‌های کشورهای دیگر به شدت رنج می‌برند؛ کشورهای عربستان، ترکیه، اسرائیل و آمریکا هر کدام سهمی از تداوم بحران در سوریه دارند. در روند تغییرات این بحران‌ها روسیه، ایران و حزب الله لبنان عوامل موثر در سمت‌گیری این تحولات هستند.

بعد از مباحث مطرح شده از سمت نومحافظه کاران تندرو مانند ایوت آبرامز و جان بولتون در خصوص انتقال تسلیحات شیمیایی عراق به سوریه در سال ۲۰۰۳ سربازان آمریکایی به منطقه مرزی عراق و سوریه حمله کردند. در ادامه مباحث نومحافظه کاران کاخ سفید به منظور تضعیف و یا حتی جنگ با ایران، برنامه حمله به سوریه مورد بحث و ارزیابی قرار گرفت. اما با وجود طولانی بودن منازعات در عراق، تمایل آمریکا و دولت سوریه در نابودی القاعده و خروج سوریه از مرزهای تحت حاکمیت لبنان باعث شد کاخ سفید از حمله به سوریه حداقل برای مدتی صرف نظر کند. (مرشایمر، ۱۳۸۸) موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک سوریه میتواند هم فواید و عوارض بالقوه برای این کشور داشته باشد؛ تغییرات در این کشور به شدت منطقه را ملتهب کرده و سیاست خارجی کشورهای همسایه معلول بازیگری این کشور در منطقه می‌باشد.



در سال ۲۰۰۹ بیش از ۳ میلیون نفر سوری در کشور خود کاملاً بدون درآمد معیشتی بودند. ساختار فاسد، اختناق، سرکوب و اقتصاد ورشکسته باعث شعله‌ور شدن اعتراضات در نواحی حما، درعا، حمص و دیرالزور شده و عملاً سوریه از سال ۲۰۱۱ بعد از سرکوب معترضان به مرکز تنازعات جهانی تبدیل شد.

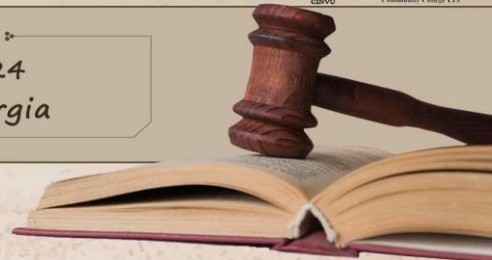
با نگاه به رویکرد ایالات متحده در خاورمیانه، منافع این کشور را در گزاره‌های زیر خلاصه می‌شود:

- ۱- تامین امنیت اسرائیل
- ۲- جلوگیری از پدید آمدن هژمون و قدرت برتر منطقه‌ای
- ۳- جلوگیری از نفوذ و تفوق ایران، چین و روسیه
- ۴- کنترل بازیگرانی که خواهان تغییر موازنه و سیستم منطقه‌ای هستند
- ۵- جلوگیری از هسته‌ای شدن
- ۶- مبارزه با گروه‌های تروریستی که در تضاد با آمریکا می‌باشند
- ۷- مبارزه با مسلمانان
- ۸- تداوم حضور و نفوذ خود در خاورمیانه‌ی ژئوپلیتیکی و دارای منابع نفت و گاز

رویکرد اوباما نسبت به سوریه

ایالات متحده بعد از حوادث و تجربیاتی که بعد از یازدهم سپتامبر به دست آورد همواره سیاست خارجی خود را به صورتی تهاجمی‌تر تعریف کرده و خود را منجی جهان بشریت از دستان تروریسم و وظیفه پلیس جهانی را به جامعه بین‌المللی القا کرد. حمله به عراق و افغانستان و مداخله در کشورهای خاورمیانه به راهبرد اصلی ایالات متحده بدل شد. طبق گزارش موسسه واتسون دانشگاه براون، آمریکا بعد از طراحی سیاست خارجی خود بیش از ۷ تریلیون برای ماجراجویی خود هزینه کرده و بیش از ۷ هزار سرباز آمریکایی را در خاورمیانه از دست داده. تروریسم، افراط‌گرایی، ویرانی و جنگ‌های بی پایان میراث راهبرد بلند مدت سیاست خارجی آمریکا برای خاورمیانه می‌باشد.

طراحی سیاست خارجی آمریکا در دوره‌های متوالی و متفاوت ریاست‌های جمهوری، همواره بر ساخته‌ای از اتفاقات واقعه در بستر بین‌الملل، سیستم جهانی و محرک‌های داخلی همچون افکار عمومی و ... می‌باشد؛ برای مثال با توجه به عقبه و سابقه اقتدارگرایی و موناشرسی حزب بعثی در عراق در جریان تحولات و اتفاقات موسوم به بهار عربی، عراق جزو کشورها و گزینه‌های اصلی بستر اعتراضات داخلی محسوب می‌شد و از این نظر آمریکا چاره‌ی خود را چیزی جز حمله‌ی نظامی به عراق نمی‌دید. در قبال بحران سوریه پیش فرض‌ها و متغیرهای متفاوتی در تصمیم‌گیری و واکنش ایالات متحده همچون تعدد طیف‌ها و گروه‌های مخالف دولت وقت سوریه، مسئله کردها در شمال این کشور و قدرت گرفتن و متحد شدن نیروهای مدافع خلق کردتبار با نیروهای آمریکایی، عدم اطمینان از آینده‌ی دولت بعدی سوریه، خطر گسترش دامنه جنگ و بحران پناهندگی مردمان سوری، وجود گروهک تروریستی داعش و دست پیدا کردن این گروه به منابع نفتی بخش‌هایی



از سوریه و عراق و در آخر وجود ایران در منطقه و نفوذ این کشور در سوریه، لبنان و عراق برای تصمیم سازی و سیاست خارجی آمریکا تاثیر پذیر است.

باراک اوباما در چنین سیستم بین المللی متأثر از راهبرد یک جانبه گرای آمریکایی در سال ۲۰۰۹ به ریاست جمهوری رسید و از او ان به قدرت رسیدن خود، برای تجدید نظر در الگوهای سیاسی کنش گری آمریکا، دکترین خود (تغییر) نامید. دکترین دیگر مورد استفاده اوباما (قدرت هوشمند) میباشد؛ ترکیب ابزارهای سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی و همچنین استفاده از ظرفیت سازمان های بین المللی برای جلوگیری و محدود کردن منابع مالی و در آخر گزینه ی استفاده از ادوات و ابزارهای نظامی برای مقابله با هر مانعی که در مقابل سیاست خارجی آمریکا قرار میگیرد. که با تسامح میتوان آن را به واقع گرایی تدافعی تعبیر کرد. بر اساس اصول و قواعد رئالیسم تدافعی، اصالت با درگیری و منازعه است و جنگ بین بازیگران سیستم بین الملل به منظور تداخل منافع دیده میشود. (مشیرزاده، ۱۳۹۵) این نظریه بخشی از مکتب رئالیسم بوده و ساختار آنارشیک گونه ی نظام بین الملل تشویق کننده ی دولت ها به اتخاذ سیاست میانه روی برای نیل به امنیت است. (عارفی، کریمی، ۱۳۹۲)

عامل مهم دیگری که در راهبرد خاورمیانه ای آمریکا تاثیر فراوانی داشته، رابطه توجیه ناپذیر اسرائیل و نفوذ بسیار زیاد صهیونیسم و یهودیان در ارکان تصمیم گیری ایالات متحده میباشد؛ تاجایی که در سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۱۰ آمریکا، اسرائیل به عنوان مهمترین متحد متعهد منطقه ای آمریکا تعریف میشود. البته اوباما در طرح پیشنهادی خود مبنی بر تشکیل دولت مستقل فلسطین و قائل شدن حقی برای مردم فلسطینی آنچنان مورد رضایت اسرائیل در مقایسه با ترامپ نبود؛ زیرا ترامپ در همان اوایل به قدرت رسیدن خود، اسرائیل را شریک محبوب آمریکا نامید و بیت المقدس را به عنوان پایتخت اسرائیل میدانست. اسرائیل حتی در توافقات هسته ای آمریکا و ایران هم به صورت متغیر و وزنه ی قابل توجهی بر تصمیم گیری آمریکا بود؛ زیرا قدرت گرفتن هر چه بیشتر ایران را در توافقات هسته ای میدانست. تضعیف هر چه بیشتر سوریه هم به صورت موازنه ی تضعیف کننده در دستور کار آمریکا قرار گرفته بود؛ زیرا کاهش قدرت دولت بشار اسد به دنباله ی تحلیل رفتن قدرت و نفوذ ایران در منطقه و باز شدن مجرای تنفسی برای اسرائیل محسوب میشود.

متغیرهای فراوانی در شکل گیری سیاست خارجی آمریکا چه به صورت داخلی و چه خارجی اثر گذار بوده؛ در ابعاد خارجی میتوان متغیرهای زیر را عنوان کرد:

- ۱- قدرت گرفتن چین و سیاست کسب پرستیژ در عین حال تجدیدنظر طلبانه ی این کشور در صحنه ی بین الملل.
- ۲- قدرت گرفتن گروهک های تروریستی و تکفیری در منطقه خاورمیانه و مخالفت علنی با ایدئولوژی غرب.
- ۳- جولان ایران در منطقه.
- ۴- وجود مناطق مهم نفتی و گازی در خاورمیانه و وابستگی روزافزون صنایع آمریکا به منابع طبیعی.
- ۵- تجربه ی سیاست مداخله گرایانه و توسل به رژیم ها و شرکت توسط دولت نیکسون (۱۹۶۹) در مناطق نفتی خاورمیانه و دخالت سودآور آمریکا در تغییر راهبرد نفتی کشورهای تولید کننده نفت. (علی خانی، ۱۴۰۲)



و در ابعاد داخلی:

۱- کشف منابع عظیم نفت و گاز در مناطق شمالی که به شدت بازار انرژی را تحت تاثیر خود قرار داده و به صورت متغیر مادی در کاهش نیاز آمریکا به نفت خاورمیانه ظاهر شد.

۲- بالا رفتن سطح تنش و واکنش افکار عمومی آمریکایی ها نسبت به جنگ افروزی ایالات متحده.

۳- لابی پررنگ اسرائیل.

۴- وقوع ۱۸ عملیات تروریستی در دوره اول ریاست جمهوری اوباما و ۶ عملیات در دوره دوم.

در راستای اجرای دکترین قدرت هوشمند، اوباما با ابزارهای دیپلماتیک مانند مذاکرات ژنو، سعی در کناره گیری بشاراسد از زمام قدرت و ارائه ی طرح دولت انتقالی را داشت و خود باراک اوباما شخصا از بشاراسد درخواست کناره گیری از قدرت را داشت. ولی این راهبرد با پدید آمدن یا آوردن داعش به کلی معادلات را برهم زده و بی نتیجه ماند. افکار عمومی جامعه آمریکا تاب پذیرش دخالت ایالات متحده در جنگ سوریه را نداشت و در شعارهای کمپین انتخاباتی اوباما محوریت ضدیت با جنگ بیش از همه چیز به چشم میخورد؛ برای همین اوباما برای شانه خالی کردن از بار تعهدات جنگ و پیامدهای آن، به کنگره ایالات متحده درخواست حمله به سوریه را تسلیم کرد. در پی کنش های اوباما مبنی بر ادامه ی دکترین مورد استفاده ی خود، برای حمایت از مخالفان سوری دولت بشار اسد، جای مانور بیشتری به عربستان برای این اقدام داد و به حمایت هر چه بیشتر خود از گروه های معارض سوری پرداخت.

پس از اعلام وجودی گروهک تروریستی داعش راهبرد آمریکا به شدت تنش زا شده و به سرعت تصمیم های جایگزین، راهبرد آمریکا را تشکیل داد. کنگره ی آمریکا در ۲۰۱۴ قانون تجهیز، اختصاص دادن بودجه نظامی و آموزش داوطلبان برای جنگ با داعش را تصویب کرد. بدین نحو نیروهای نظامی آمریکایی به عراق بازگشته و برای مبارزه با داعش بسیج شدند. در ادامه با حمله به مواضع داعش و بمباران هوایی مناطق در دست داعش، آموزش و فراهم کردن تجهیزات نظامی افراد بومی عراق و سوری بر ضد داعش و در نهایت ارسال تجهیزات برای گروه های مختلف دولت سوریه را به دنبال داشت. البته بعد کشته شدن تعداد زیادی از نیروهای نظامی بومی آمریکا که توسط خود ایالات متحده در اردن و عربستان آموزش دیده بودند؛ این سربازان در جنگ با دولت وقت سوریه به دست نیروهای دولت بشاراسد کشته شدند. (پرهیزکار، ۱۳۹۶) برای جلوگیری از روند کاهشی سربازان آمریکایی و تاثیر سوء آن بر افکار عمومی آمریکا، پنتاگون سعی کرد با آموزش، تجهیز و پشتیبانی مالی و تسلیحاتی نیروهای خارجی از جمله سوری برای مبارزه با داعش و عقب راندن تروریست ها به اهداف خود در منطقه برسد.

در تبیین اهداف اوباما و آمریکا در سوریه نباید تاثیر دکترین راهبرد امنیت ملی را نادیده گرفت؛ این سند مصوبه سال ۱۹۸۶ کنگره آمریکا به هر مقام ریاست جمهوری وظیفه ی تعریف و تبیین تهدیدها و فرصت های پیش روی آمریکا را در همه بخش های سیستم بین المللی و جامعه جهانی را محول کرده. (ساعد، ۱۳۸۷) باراک اوباما در سند راهبری خود، مسائل سیستمی متأثر از اقدامات آمریکا را با متغیر مداخله گر ابعاد داخلی خود ایالات متحده میخواند و سعی در کاهش هزینه های



دخالت در مناطق مختلف جهان را داشت. نوع نگاه او باما اینگونه بود که آمریکا در جایی که میتواند مسئله را حل و فصل کند وارد شده در غیر این صورت مسئولیت حل مشکلات جهانی بر دوش آمریکا نیست. (سریع القلم، ۱۳۹۵) در این مورد او با جرج دابلیو بوش پسر که معتقد به رسالت آمریکا در دخالت در همه مسائل جهانی با استفاده از زور بود، متفاوت است. (ساجدی، ۱۳۹۶)

از دید نهادگرایی، او باما سعی در تبیین و ارتقای منافع آمریکا بر اساس تحمیل آن به صورت منافع مشترک میان اعضای جامعه بین الملل با استفاده از سازمانها و رژیمهای بین المللی بود؛ وی منافع آمریکایی را منافع کل بشریت اعلام میکرد و سعی در رهبری جهان با استفاده از دکتترینها و راهبردهای اتخاذ شده خود را داشت؛ او بیشتر بر بعد دیپلماتیکی، استفاده از رژیمها و سازمانهای بین المللی برای تحت فشار قرار دادن کشورها و نیل به اهداف خود بود. وی به دنباله‌ی شعار تبلیغاتی خود و رضایت عمومی در سال ۲۰۱۱ نیروهای نظامی آمریکا در عراق و منطقه را بر اساس موافقت نامه بین دو کشور عراق و ایالات متحده در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۱ به به شدت کاهش داده و به ۱۵ هزار نفر رساند که باعث کاهش بودجه‌ی نظامی شد. اما پدید آمدن دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، معادلات او باما و دولت وقت را به هم ریخته و باعث به وجود آمدن مسائل جدید برای آمریکا شد. او باما حتی در سال ۲۰۰۹ اسلام را دشمن آمریکا قلمداد نکرده و بر محور مبارزه با تروریسم و افراط گرایی به شدت تاکید میکند؛ همچنین احترام به ادیان مختلف و مسلمانان را یکی از پایه‌های شعار خود قرار داده و از همکاری متقابل مسلمانان و محور مبارزه با داعش برای از بین بردن تروریسم تاکید میکند. (ابراهیمی، قادری، ۱۳۸۹)

همچنین در برداشتی واقع گرایانه تدافعی از عملکرد او باما میتوان به این نکته رسید که دولت وقت به شدت به کاهش هزینه‌های جنگ و کنترل آن توجه میکرد. برای مثال نظامیان را از عراق فراخوانده، بودجه نظامی را کاهش داده و در سال ۲۰۱۳ به حمله شیمیایی دولت روسیه که خط قرمز آمریکا بود جوابی نداد. رییس جمهور وقت آمریکا با پیوستن به معاهده‌ها و موافقت نامه‌های مختلفی مانند ترنس پاسیفیک و اقلیمی پاریس و رهبری توافق هسته‌ای ایران، مذاکرات ژنو برای بحران سوریه، تماما ایجاب میکرد برای منافع ملی آمریکا و حل مشکلات با دیگر بازیگران نظام بین الملل همکاری و آنها را ترغیب به همکاری کند. بر اساس توافق ترنس پاسیفیک بین ۱۲ عمده آسیایی که چین عمده در آن عضو نبود (کانادا، شیلی، ژاپن، مالزی، مکزیک، نیوزلند، پرو، سنگاپور، ویتنام و آمریکا) سعی در چرخش استراتژیک به سمت آسیا نمود که نوک حمله آن چین باشد. این راهبرد به دلیل قدرت گرفتن روزافزون چین در منطقه و به خطر افتادن منافع حیاتی آمریکا به حساب می‌آید؛ به نظر تصمیم گیران کاخ سفید چین میتواند به عنوان یک قدرت نوظهور، هژمون و تفوق آمریکا را به خطر اندازد. همچنین مذاکرات ژنو با موضوع عنوان شده توسط آمریکا (دولت انتقالی) به نتیجه نرسید و شکست خورد. جداول زیر به منظور ارائه تصویری کلی از وقایع و اتفاقات مهم سوریه در دوران او باما میباشد:

سال ۲۰۱۱

خیزش مدنی جنگ داخلی سوریه به دلیل فساد سیاسی، بیکاری، اختناق، سرکوب و رفتار موناشری گونه‌ی بشاراسد. تظاهرات پس از سرکوب شدید توسط حکومت، به شورش و درگیری‌های مسلحانه و آغاز جنگ داخلی سوریه منجر شد.	۱۵ مارس تا ۲۸ ژوئیه - ۱۳۹۰/۰۴/۰۷ تا ۱۳۸۹/۱۲/۲۴
شکل‌گیری یک ائتلاف مقاومت بزرگ متشکل از شبه‌نظامیان توسط سرهنگ ریاض الاسعد و ۶ افسر دیگر موسوم به (الجیش السوری الحر) ارتش آزاد سوریه	۲۹ ژوئیه - ۱۳۹۰/۰۴/۰۸
واکنش اوپاما رییس جمهور وقت آمریکا به سرکوب معترضان، نقض حقوق بشر، آرام شدن تعارضات و کناره‌گیری بشاراسد	۱۸ اوت - ۱۳۹۰/۰۵/۲۷

سال ۲۰۱۲

تشکیل جبهه النصره به رهبری ابو محمد جولانی با ایدئولوژی وهابیت و جهادگرایی سلفی	۲۳ ژانویه - ۱۳۹۰/۱۱/۰۳
سرکوب شدید معترضان در منطقه حوله که باعث کشته شدن ۱۰۸ معترض شد	می - اردیبهشت ۱۳۹۱
ارسال کمک‌های غیرنظامی آمریکا به مخالفان سوریه	می - اردیبهشت ۱۳۹۱
همه‌پرسی پیش‌نویس قانون اساسی که دولت را از انحصار حزب بعث سوریه خارج می‌کند با نتیجه‌ی ۸۶/۹۰ درصد (۷۴۹۰۳۱۹ رای مثبت)	۲۶ فوریه - ۱۳۹۰/۱۲/۰۷
آغاز نبرد حلب موسوم به (استالینگراد سوریه) میان نیروهای مخالف دولت سوریه و ارتش سوریه با پیروزی دولت	۱۹ ژوئیه - ۱۳۹۰/۰۳/۳۰

سال ۲۰۱۳

اعلام موجودیت دولت اسلامی عراق و شام موسوم به داعش به سرکردگی ابوبکر البغدادی با ایدئولوژی افراطی تر وهابیت و جهادگرایی سلفی	آوریل - فروردین ۱۳۹۲
اعلام فتوای جهاد از سوی یوسف قرضاوی عالم دینی مصری الاصل در برابر دولت بشاراسد	۲ می - ۱۳۹۲/۰۳/۱۲
آزادسازی شهر قصیر به دست ارتش سوریه با کمک حزب الله لبنان بعد از ۱۸ ماه درگیری	ژوئن - خرداد ۱۳۹۲



حملات شیمیایی غوطه توسط ارتش سوریه با ۱۳۰۰ کشته و ۳۶۰۰ زخمی که باعث شوک جهانیان و واکنش اوپاما شد	۲۱ اوت - ۱۳۹۲/۰۵/۳۰
---------------------------------------------------------------------------------------------------	---------------------

سال ۲۰۱۴

درگیری و تصرف شهر رقه توسط داعش و اعدام گسترده مردم و انهدام بناهای تاریخی و مساجد شیعیان و کلیساهای مسیحیان؛ که به مدت ۴ سال مرکز اصلی و پایتخت این گروهک تروریستی انتخاب شد	ژانویه - دی ۱۳۹۲
کنترل شهر بیرو و دژ شهسواران توسط ارتش سوریه	۱۶ مارس - ۱۳۹۲/۱۲/۲۵
تصرف مناطق مختلف استان دیرالزور توسط داعش و محاصره شهر دیرالزور	ژوئیه - تیر ۱۳۹۳
حملات هوایی آمریکا علیه نیروهای داعش و بمباران مواضع این گروه	۲۳ سپتامبر - ۱۳۹۳/۰۷/۰۱

سال ۲۰۱۵

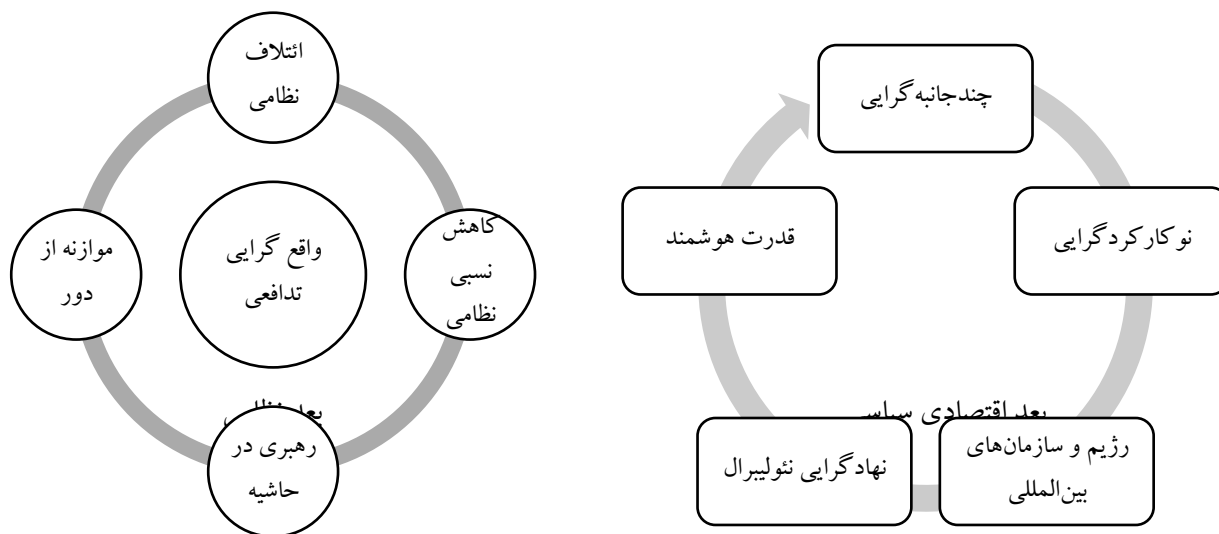
سقوط شهر ادلب توسط گروه جبهه نصرت تحت حمایت عربستان سعودی که مقدمه‌ای شد برای تصرف شهرهای استراتژیک جسرالشغور و اریحا به دست تروریست‌ها	۲۴ مارس - ۱۳۹۴/۰۱/۰۴
تصرف شهر پالمیرا به دست داعش و آموزش نخستین گروه از سربازان اهل سوریه توسط ایالات متحده	۲۱ می - ۱۳۹۴/۰۲/۳۱
وارد شدن ایران و روسیه به بحران سوریه که باعث چرخش اوضاع به نفع بشاراسد شد. در ۹ سپتامبر نظامیان افراطی اسلام گرا، پایگاه هوایی ابوظهور را تصرف کردند	سپتامبر - پاییز ۱۳۹۴

سال ۲۰۱۶

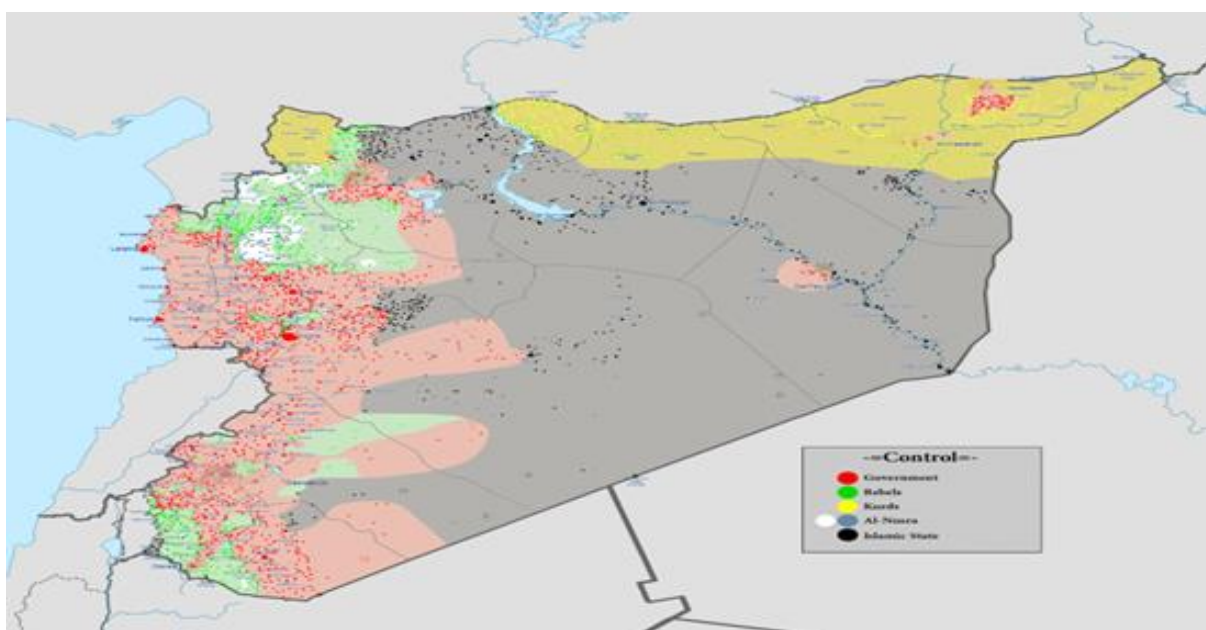
نبرد داعش با جنگجویان کرد با حمایت آمریکا که باعث عقب‌نشینی داعش از شهر کوبانی شد	۲۶ ژوئن - ۱۳۹۵/۰۴/۰۶
عملیات سپر فرات توسط ارتش سوریه علیه داعش و استفاده گسترده از سلاح‌های ممنوعه مانند گاز خردل و گاز کلر	۲۴ اوت - ۱۳۹۵/۰۶/۰۳
باز پس گرفتن شهر ادلب توسط ارتش سوریه با کمک ایران و روسیه	۲۲ دسامبر - ۱۳۹۵/۱۰/۰۲



بحران سوریه ترکیبی از مسائل داخلی و بین‌المللی می‌باشد که می‌توان از دخالت آمریکا برای منافع خود، وجود اسرائیل، اعتراضات داخلی، وجود گروه‌های مسلح تروریستی نامید. همچنین می‌توانیم دکترین‌های اتخاذ شده توسط اوپاما را در ابعاد اقتصاد سیاسی و نظامی بدین نحو نشان دهیم:



نقشه زیر مبین وضعیت جنگ داخلی سوریه در دسامبر ۲۰۱۵ است؛ رنگ قرمز: مناطق تحت کنترل ارتش سوریه / رنگ سیاه: مناطق تصرف شده توسط داعش / رنگ سبز: مناطق در دست شورشیان مخالف دولت / رنگ زرد: حاشیه نشین کردها و مناطق سفید در دست جبهه النصره



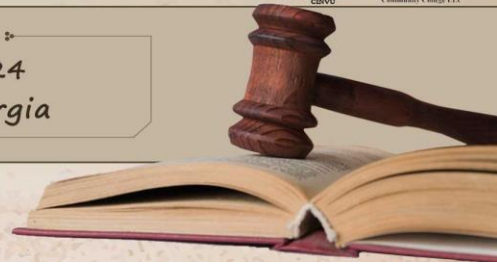
ارتش سوریه در اوایل درگیری به شدت شکست خورده و در همه نقاط با توجه به پیشروی داعش، حضور شورشیان و کردها، عقب‌نشینی کرده و دولت سوریه به شدت متزلزل شده بود.

ترامپ و راهبرد در برابر بحران سوریه

بسیاری اوباما را به منفعل بودن در برابر واکنش علیه خروجی‌های سیستم مقصر میدانسته و قدرت پیدا کردن چین، روسیه و ایران در منطقه را معلول سازش کاری و عدم قاطعیت او بودند؛ همچنین با موضع نگرفتن در برابر الحاق کریمه به روسیه و منفعل بودن در بحران سوریه که به نفع روس‌ها تمام شد و در نهایت توافق هسته‌ای با ایران نوعی از سیاست خارجی را پی گرفته که منجر ضربه خوردن منافع آمریکا می‌شود. منتقدان اوباما معتقدند کنش‌های متناقضی مانند اعزام نیروهای بیشتر به افغانستان در سال ۲۰۰۹، مشارکت در فرآیند شکست خورده صلح در خاورمیانه بین اسرائیل و فلسطین، حمایت از سرنگونی رژیم، عدم تحقق وعده سرنگونی رژیم بشار اسد و ناتوانی در متوقف کردن الحاق کریمه به روسیه از جمله مصادیق سیاست خارجی مبهم و گنگ این رئیس‌جمهور ایالات متحده می‌باشد. (استفن والت، ۲۰۱۶)

با به قدرت رسیدن فردی خودمحمور، پراگماتیست و جمهوری خواه که بنیان‌های شعار خود را مبنی بر (عظمت آمریکایی) بنا نهاده بود به تجهیز هرچه بیشتر ارتش و وزارت دفاع ایالات متحده پرداخت. او در سند راهبرد امنیت ملی خود ابتدا بر خطر و مبارزه با (تروریست‌های رادیکال اسلام‌گرا) تاکید کرد و نیاز جامعه جهانی را به یک آمریکای مقتدر میدانست. میتوان راهبرد باراک اوباما را در سیستم بین‌المللی، رهبری جهان در حاشیه و نهادگرا بدانیم و راهبرد ترامپ را رهبری در صحنه و واقع‌گرا قلمداد کنیم. وی از طریق راهبرد یکجانبه‌گرایی همیشگی آمریکا جهان را متوجه نیاز خود به رهبری ایالات متحده بر سیستم بین‌المللی کرد و برخلاف رییس‌جمهور پیشین علاقه‌ای به دموکراسی و حقوق بشر برای حل مشکلات سوریه و در حادترین آن، داعش ندارد. او به شدت به وزارت دفاع، ارتش و نیروی نظامی علاقه داشته و پایه‌ی تصمیمات خود را بر پایه‌ی صفت (آمریکای نظامی) می‌گذارد. با تحلیل شخصیت او میتوان متوجه مشخصه‌های رفتاری او شد که شامل عدم فروتنی در مقام عالی و رسمی یک کشور، داشتن هیجانانگیز، عمدتاً فاقد ادبیات رسمی، برون‌گرا، پرخاشگر و رفتاری قاطعانه است. برای تصمیمات دیگر اعضای کابینه خود که اکثراً جنگ طلب بوده و حتی رهبران دیگر کشورها ارزش قائل نبوده و هر چیزی را که خود چه درست چه نادرست را بر دیگران تحمیل می‌کرد؛

ترامپ فقط یک هفته بعد از به قدرت رسیدن دستور تجهیز، بازسازی و تخصیص منابع بیشتر به ارتش و نیروهای نظامی را صادر کرد. (امینیان، ۱۳۹۶) همچنین به صورت تصاعدی بودجه نظامی را افزایش داده و در سال ۲۰۱۷ با حمله موشکی مستقیم به پایگاه هوایی شعیرات متعلق به نیروی هوایی سوریه واقع در غرب استان حمص در پی پاسخ به حمله شیمیایی خان شیخون برآمد. در این حمله ترامپ دستور شلیک ۵۹ موشک تاماهاوک (موشک جنگی مادون صوت از نوع کروزر دارای برد بالا و هدایت آسان) به پایگاه هوایی متعلق به حزب بعث سوریه را داد؛ در پی راهبرد تهاجمی خود در سال ۲۰۱۸ با کمک جت‌های جنگی تورنادو متعلق به بریتانیا و موشک‌های فرانسوی به مرکز تحقیقاتی و زرادخانه شیمیایی ارتش سوریه حمله کرد؛ با ساقط کردن هواپیمای جنگی شاهد ۱۲۹ ایران در ژوئن ۲۰۱۷ و همچنین در ژانویه ۲۰۲۰ با



حمله هوایی آمریکا در نزدیکی فرودگاه بغداد به قاسم سلیمانی از نیروهای سپاه قدس شد؛ با اعزام کماندوهای آمریکایی در سال ۲۰۱۷ به حلب و حمله به شبه نظامیان سوری باعث شعله‌ور شدن جنگ و ناآرامی در سوریه شد. از دیگر اقدامات جنگ افروزانه‌ی ترامپ:

- ۱- تجهیز، آموزش و تخصیص منابع مالی به ۴۰۰۰ نیروی عرب
 - ۲- اعزام سربازان آموزش دیده‌ی نیروی دریایی آمریکا به سوریه در ۲۰۱۷
 - ۳- همکاری با کشورهای متحد خود و سوق دادن آن‌ها به دخالت در سوریه و جنگ
 - ۴- حمله‌های متعدد موشکی به نقاط مهم سوریه
 - ۵- کشتن ابراهیم عواد ابراهیم بدری قرشی اولین خلیفه داعش در اکتبر ۲۰۱۷ با حمله به مکان اختفای او در نزدیکی مرز ترکیه و سوریه با استفاده از نیروهای دلتای فرماندهی مشترک عملیات ویژه، هنگ ۵۷ تکاوران و نیروهای ویژه هوای ایالات متحده
- همانطور که گفته شد راهبرد مورد استفاده ترامپ، رئالیسم تهاجمی بوده که از ارتش برای بازدارندگی بیشتر استفاده میکرد. وی با خروج از پیمان‌ها، موافقت نامه‌ها، تعهدها و سازمان‌های بین‌المللی مانند توافق هسته‌ای ایران، خط و نشان کشیدن در مرز مکزیک، اخراج مسلمانان و وارد کردن فشار بر ناتو نشان داد راهبرد خود را برخلاف سلف پیشین خود بنا نهاد. در راهبرد ترامپ، اندیشه نوانزواگری و حمایت‌گرایی ناسیونالیسم داخلی هم دیده میشود؛ زیرا میتوان در رفتار او در عرصه اقتصاد سیاسی بین‌المللی، وضع تعرفه‌های گوناگون برای ارتقای مزیت رقابتی و حمایت از محصولات داخلی آمریکایی را شاهد بود.
- ایالات متحده آمریکا بیش از ۳۰ میلیارد دلار صرف حضور خود فقط در کشور سوریه از تجهیز، آموزش سرباز و مبارزه با داعش گرفته زد و خورد با دولت وقت سوریه کرده است. تا جایی که ترامپ مایل بود برای جلوگیری از صرف هزینه بیشتر، نه تنها از سوریه بلکه از منطقه خاورمیانه خارج شود. (بولتون، ۱۳۹۹) از طرفی ترامپ حدس میزد ترکیه به صورت مستقیم وارد سوریه و جنگ بشود و به طور معمول با حمله خود باعث آسیب به کردهای مستقر در این منطقه بشود. زیرا با توجه به تعهد خود به نیروی‌های کرد، زد و خوردی بین آمریکا و ترکیه به وجود می‌آید که معادلات ایالات متحده را به هم میریزد؛ (بولتون، ۱۳۹۹) حتی در سال ۲۰۱۹ به صورت علنی خواستار بازگشت نیروهای خود به بهانه کشتن ابوبکر البغدادی و شکست داعش، از سوریه شد ولی با توجه به حضور ایران در منطقه، کمک‌های روسیه، ضروری بودن حضور آمریکا برای منافع خود و وجود گروهک‌های تروریستی مختلف در نهایت به مانند سابق حضور خود در منطقه را تمدید کرد. کنگره آمریکا با تصویب قطعنامه‌ای که در متن مصوب آن به ضرورت حفظ مناطق شمال شرقی سوریه توجه شده بود، با عدم حمایت از کردها و رها کردن این گروه به حال خود در مقابله با داعش، مخالفت کرده و بر حفظ پایگاه نظامی التنف واقع در جیف التنف تاکید میکند. جداول زیر به منظور ارائه تصویری کلی از وقایع و اتفاقات مهم سوریه در دوران ترامپ میباشد:

سال ۲۰۱۷

تشکیل هیئت تحریر شام در شمال غرب سوریه متشکل از جیش السنه، لواء الحق، جنبش نورالدین زنکی، جبهه انصارالدین و جبهه فتح شام	۲۸ ژانویه - ۱۳۹۵/۱۱/۰۹
تصرف پالمیرا توسط ارتش سوریه به کمک روسیه و در روز ۲۶ همین ماه نیروهای دموکراتیک سوریه، پایگاه هوایی طبقه در استان رقه را از داعش پس گرفتند	۲ مارس - ۱۳۹۵/۱۲/۱۲
استفاده از گاز اعصاب در شهر خان شیخون توسط هواپیماهای روسیه و سوریه و کشته شدن ۵۸ نفر؛ ۲ روز بعد پایگاه هوایی در سوریه هدف موشک‌های آمریکایی قرار گرفت	۴ آوریل - ۱۳۹۶/۰۱/۱۵
باز پس گرفتن پایگاه هوایی الجراح در شهر حلب از نیروهای داعشی توسط ارتش سوریه	۱۲ می - ۱۳۹۶/۰۲/۲۲
باز پس گرفتن شهر رقه از داعش توسط نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) به کمک آمریکا	۱۷ اکتبر - ۱۳۹۶/۰۷/۲۵
ادعای قاسم سلیمانی مبنی بر پایان خلافت داعش	۲۱ نوامبر - ۱۳۹۶/۰۸/۳۰

سال ۲۰۱۸

باز پس گرفتن پایگاه هوایی ابوظهور در ۵ کیلومتری شهر ادلب از نیروهای مخالف دولت توسط ارتش سوریه؛ ۱۱ روز بعد حمله شیمیایی غوطه به شهر دوما توسط نیروهای دولتی بشاراسد	۱۰ ژانویه - ۱۳۹۶/۱۰/۲۰
تصرف شهر عفرین از منطقه‌های کردنشین سوریه توسط ارتش آزاد سوریه با حمایت ترکیه	۱۸ مارس - ۱۳۹۶/۱۲/۲۷
حمله نظامی نیروهای آمریکایی با کمک فرانسه و بریتانیا به دمشق و حمص	۱۴ آوریل - ۱۳۹۷/۰۱/۲۵
تشکیل ارتش ملی ۳۵ هزار نفری توسط مخالفان بشاراسد	۲۸ می - ۱۳۹۷/۰۳/۰۷
اعلام شکست داعش توسط ترامپ و همچنین اظهار نظر رییس جمهور وقت آمریکا مبنی بر خروج از سوریه	دسامبر - آذر ۱۳۹۷

سال ۲۰۱۹

تصرف استان ادلب توسط هیئت تحریرالشام و شکست نیروهای تحت حمایت ترکیه در این استان	۱۰ ژانویه - ۱۳۹۷/۱۰/۲۰
آغاز نبرد نیروهای دموکراتیک سوریه علیه داعش	۹ فوریه - ۱۳۹۷/۱۱/۲۰
شکست داعش در همه مناطق تحت کنترل خود و پیروزی نیروهای دموکراتیک در سری عملیات‌های دیرالزور	۲۳ مارس - ۱۳۹۸/۰۱/۰۳
آغاز عملیات چشمه صلح توسط ترکیه و نیروهای تحت حمایت آن برای مقابله با یگان مدافع خلق (YPG)؛ در روز ۲۶ همین ماه کشته شدن ابوبکر البغدادی در عملیات کایلامولر توسط آمریکا توسط دستور مستقیم ترامپ	۱۹ اکتبر - ۱۳۹۸/۰۷/۱۷

سال ۲۰۲۰

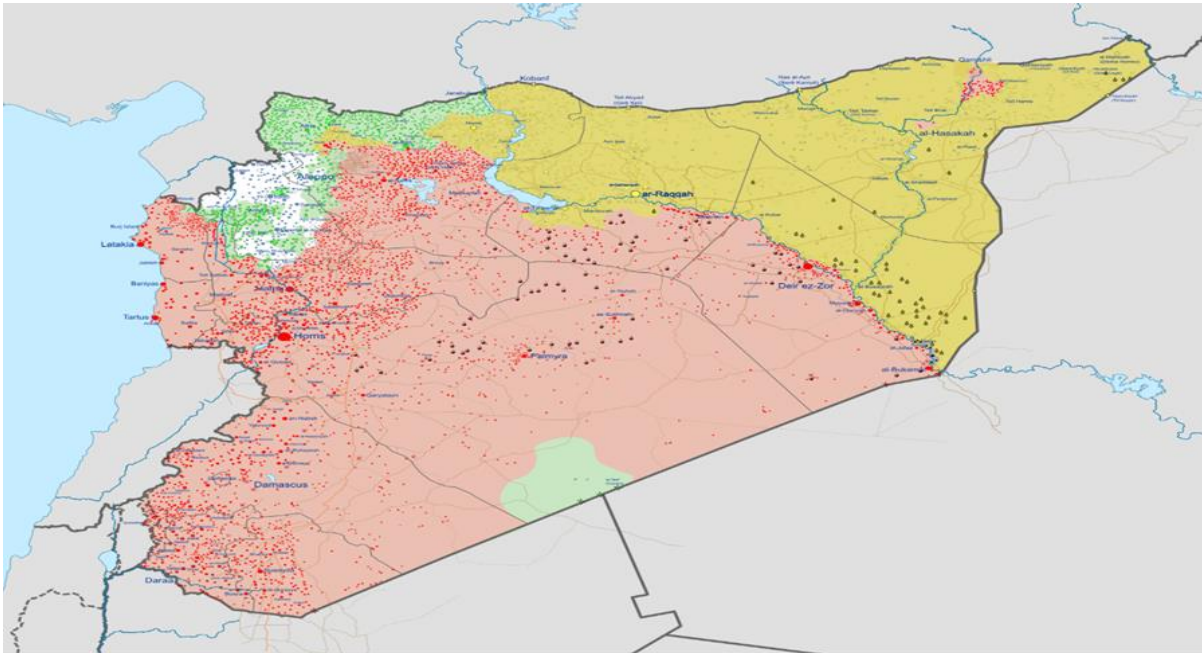
باز پس گرفتن شهر معمره نعمان واقع در استان ادلب توسط ارتش سوریه	۲۹ ژانویه - ۱۳۹۸/۱۱/۰۹
تصرف شهر سراقب استان ادلب توسط شورشیان سوری	۲۷ فوریه - ۱۳۹۸/۱۲/۰۸
باز پس گرفتن شهر سراقب از شورشیان توسط ارتش سوریه	۱ مارس - ۱۳۹۸/۱۲/۱۱
تظاهرات شهر دورزی نشین برای بحران اقتصادی و سقوط پوند سوریه	۱۰ ژوئن - ۱۳۹۹/۰۳/۲۱

سال ۲۰۲۱

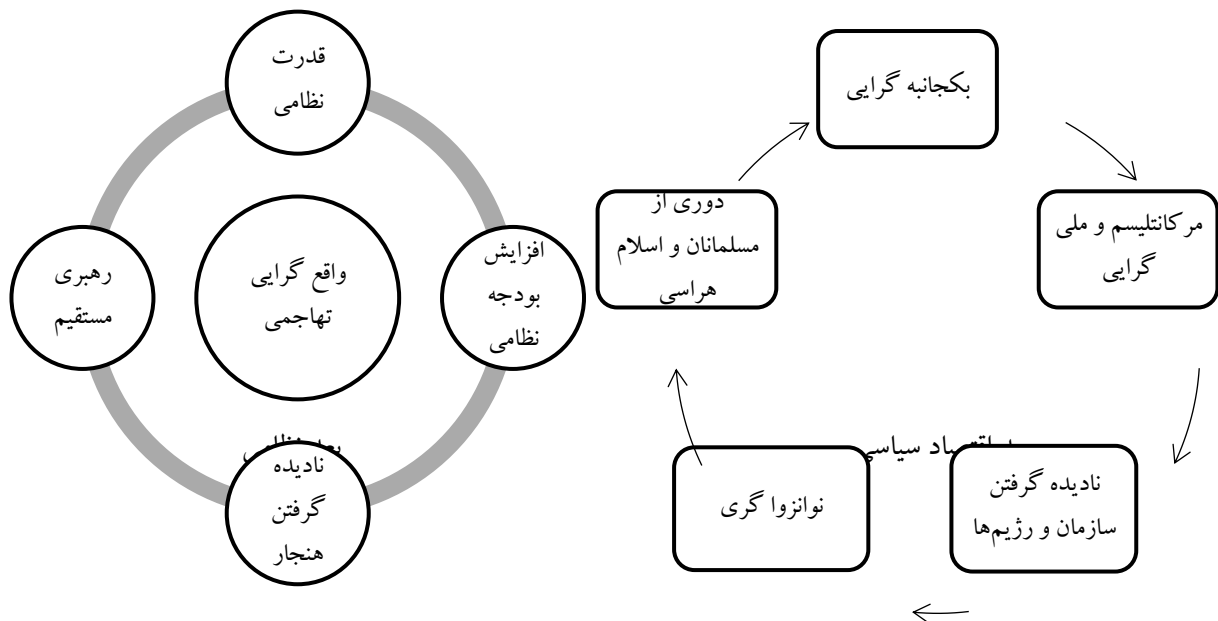
پیروزی بشاراسد در انتخابات ریاست جمهوری با ۹۵/۱ درصد آرا	۲۷ می - ۱۴۰۰/۰۳/۰۶
حملات هوایی به پایگاه‌های آمریکایی در حوالی میدان نفتی العمر	۳۰ دسامبر - ۱۴۰۰/۱۰/۰۹



نقشه زیر مبین وضعیت جنگ داخلی سوریه در ژانویه ۲۰۱۹ می باشد. داعش اکثر مناطق تحت کنترل خود را از دست داده و ارتش سوریه در حال پیشروی به سمت ادلب می باشد:



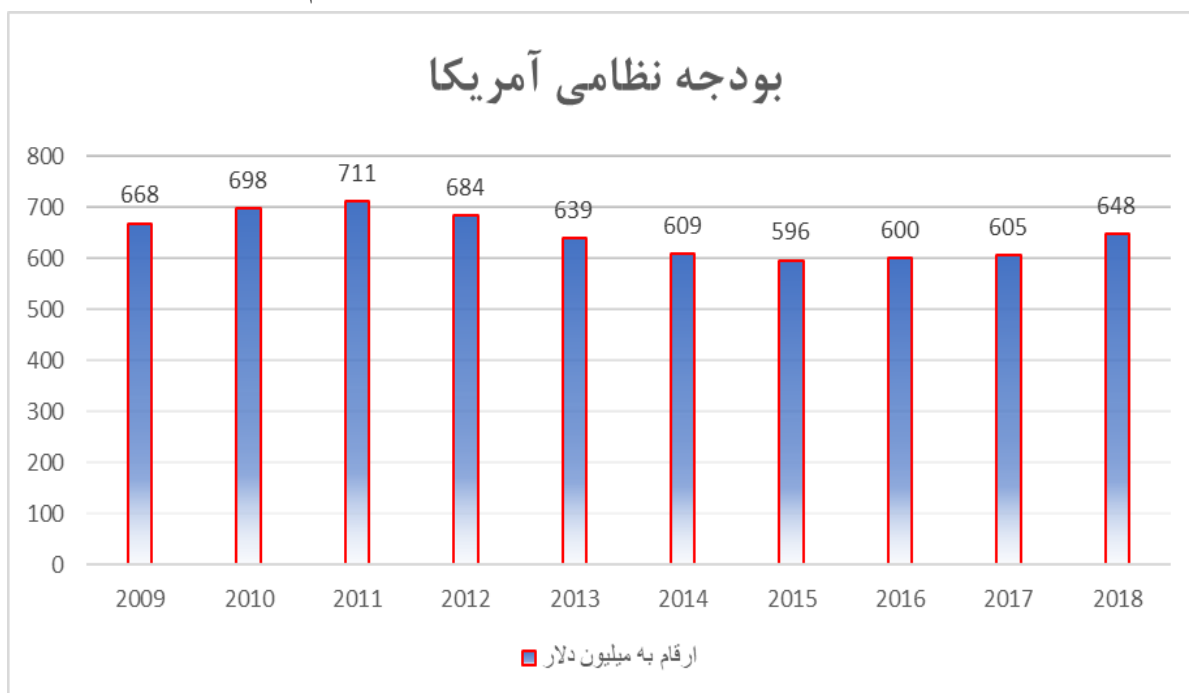
میتوانیم دکترین های اتخاذ شده توسط ترامپ را در ابعاد اقتصاد سیاسی و نظامی بدین نحو نشان دهیم:





نتیجه گیری

در اوان ابتدایی سال‌های ریاست جمهوری اواما بودجه‌ی نظامی ایالات متحده بالغ بر ۶۶۸ میلیون دلار شامل میشد که با به کارگیری دکتترین قدرت هوشمند و دلایلی که در پژوهش گفته شد این رقم در سال ۲۰۱۵ به کمترین مقدار خود یعنی ۵۹۶ میلیون دلار رسید. در جدول زیر میزان تغییرات بودجه نظامی ایالات متحده را با رسم نمودار نشان داده میشود:



با تبیین منافع ایالات متحده در منطقه خاورمیانه متوجه اتخاذ راهبردهای مختلف و بهره‌گیری از دکتترین‌های ارائه شده توسط روسای جمهور آمریکا شد؛ برخی سیاست خارجی باراک اواما را دارای یک (کل منسجم) ندانسته و آن را دارای نوعی ابهام و اتخاذ تصمیمات متناقض با پارادایم کلی آمریکا میدانند. این موضوع که فرسایشی شدن جنگ باعث به وجود آمدن تغییرات سیستمی در نظام منطقه‌ای میشود در جنگ داخلی سوریه قابل مشاهده است؛ سوریه از طرفی پل ارتباطی بین ایران و نفوذ این کشور در منطقه و از طرف دیگر با حزب الله میباشد که تضعیف سوریه باعث تزلزل این مثلث شده و جریان مقاومت در منطقه به حاشیه رانده میشود و اسرائیل به شریان تنفسی در نبود ایران دست پیدا میکند.

سیاست خارجی آمریکا در زمان ریاست جمهوری باراک اواما تبلور تلفیق پارادایمی و ترکیب واقع‌گرایی، حداقل‌گرایی، چندجانبه‌گرایی و خودمحوری میباشد. بر رهبری در حاشیه خود اصرار کرده و دیگر کشورها را در حفظ نظم سیستم بین‌الملل و امنیت بین‌الملل شریک میدانند. با وجود اعلام خط قرمز خود که حمله شیمیایی است، نسبت به عملیات شیمیایی غوطه واکنشی نظامی و مستقیم شکل نگرفت؛ با توجه به مصادیقی همچون کاهش بودجه نظامی، کاهش نیروهای نظامی در عراق، تجهیز و آموزش نیروی نظامی بومی غیرآمریکایی میتوان راهبرد او را بر پایه رئالیسم تدافعی بدانیم؛ وی با استفاده از رژیم و سازمان‌های بین‌المللی سعی در تضعیف دولت بشاراسد داشت. او در به کار گرفتن نیروی نظامی با نگاه به افکار



عمومی و بودجه مالی احتیاط میکرد. بر همین اساس او با ما دست متحدان خاورمیانه‌ای خود مانند قطر، ترکیه، عربستان و امارات را در نظم منطقه باز گذاشت و سعی در تحمیل هزینه بر روی دوش آن‌ها بود که با پیدایش داعش معادلات او با ما بهم ریخته و سعی در تغییر راهبرد استراتژیک خود در منطقه کرد. او با ما در حوزه‌ی سیاسی و اقتصادی بر اساس مصادیقی همچون پیوستن به معاهده‌ها، توافق‌نامه‌ها و ایجاد رژیم‌های بین‌المللی - نگاه و توجه به منطقه آسیا پاسیفیک و دخیل کردن کشورها در امور جهانی راهبرد خود چندجانبه‌گرایی و نهادگرایی نئولیبرال بنیاد نهاده بود.

اما ترامپ با داشتن ویژگی‌های شخصیتی رادیکال‌تری نسبت به اعصار خود، به منظور ایجاد بازدارندگی و کسب پرستیژ و اقتدار، ایجاد راهی برای کوتاه کردن دست ایران از منطقه و تضعیف جریان مقاومت، حملات شیمیایی دولت سوریه را در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۷ بلافاصله با حمله مستقیم نظامی به خاک سوریه و بمباران موشکی جواب داد. همچنین کنگره آمریکا نسبت به خروج ترامپ و نیروهای نظامی آمریکا واکنشی منفی نشان داده و با توجه به تجربه عدم دخالت و حضور خود در عراق، نسبت به نگه داشتن گردان‌هایی در سوریه و پایگاه التنف اهتمام ورزید. ترامپ با خروج از پیمان‌ها و توافق‌نامه‌ها مانند توافق هسته‌ای ایران، به راه انداختن جنگ تعرفه‌ای با چین، استفاده مستقیم از نیروی نظامی، اخراج مسلمانان، اضافه کردن صفت (اسلام‌گرای افراطی) به گروه‌های تروریستی و واکنش‌های پیش‌بینی ناپذیر خود مانند حمله هوایی سنگین به پایگاه العمر و ترور قاسم سلیمانی، میتوان او را در زمره واقع‌گرایان تهاجمی قرار داد.



منابع

- عارفی، راهب و عارفی، محمد معین و کریمی، حسین (۱۳۹۲). بررسی نظریه واقع‌گرایی ساختاری در دیدگاه کنت والتز. چاپ اول. تهران: نشر راشدین
- دهشیار، حسین (۱۳۸۶). سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا. چاپ اول. تهران: نشر قومس
- محمودزاده، ابراهیم (۱۴۰۰). از تئوری تا واقع‌گرایی. چاپ اول. تهران: نشر دانشگاه صنعتی مالک اشتر
- اندر و لینکلتر. نوواقع‌گرایی، نظریه انتقادی و مکتب برسازی. ترجمه: علیرضا طیب (۱۳۸۹). تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه
- امجد، محمد (۱۳۹۰). سیاست و حکومت در ایالات متحده. چاپ ششم. تهران: نشر سمت
- دونالد ترامپ. آمریکای زمینگیر: چگونه عظمت را به آمریکا بازگردانیم. ترجمه: سمیرا محتشم (۱۳۹۹). تهران: نشر ثالث
- جان رابرت بولتون. اتاقی که در آن اتفاق افتاد: خاطرات کاخ سفید. ترجمه: علی مجتهدزاده (۱۳۹۹). تهران: نشر صدای معاصر
- خوآن زاراته. اتاق جنگ در خزانه‌داری آمریکا. ترجمه: مریم اصغرپور (۱۳۹۷). تهران: نشر پندارتابان
- سلطانی‌نژاد، احمد و نجفی، م. صطفی و زبیدی، زینب (۱۳۹۷). بررسی تحلیلی بحران سوریه؛ زمینه‌ها، بازیگران و چشم‌اندازها ۲۰۱۱-۲۰۱۷. چاپ اول. تهران: نشر دانش نگار
- لوئیس فاوست. روابط بین‌المللی خاورمیانه. ترجمه: احمد سلطانی‌نژاد (۱۳۹۲). تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه
- جان مر شایمر. تراژدی سیاست قدرتهای بزرگ. ترجمه: غلامعلی چگنی‌زاده (۱۳۸۹). تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه
- قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۹۶). سیاست و حکومت. چاپ سوم. تهران: کانون اندیشه جوان وابسته به موسسه کانون اندیشه جوان تهران، اندیشه پویا
- کی شمس‌فالحی، حسین (۱۳۹۶). سیاست خارجی آمریکا در قبال تحولات سوریه از سال (۲۰۱۷ - ۲۰۱۱). چاپ اول. تهران: نشر شاپرک سرخ
- صفری، میثم (۱۳۹۹). جنگ جهانی بر ضد سوریه: شکست توطئه علیه محور مقاومت. چاپ اول. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ساعده نادر (۱۳۸۷). اسناد تاریخی ایران و حقوق بین‌الملل در روند قانونگذاری. چاپ اول. تهران: نشر خرسندی
- امینیان، بهادر (۱۳۹۶). به کارگیری زور به عنوان سیاست خارجی آمریکا، معضل فراروی ترامپ. مجله سیاست دفاعی، سال بیست و پنجم، شماره ۹۹، ۲۲۲-۱۹۱
- دولت آبادی، علی (۱۳۹۶). مقایسه سیاستهای اوباما و ترامپ در برابر بحران سوریه. اطلاعات سیاسی، شماره سیصد و هشتم

علی‌خانی، امیرحسین (۱۴۰۲). بررسی نقش آمریکا در سیاست‌گذاری و راهبرد نفتی ایران در دوره ی نیکسون ۱۹۶۹-۱۹۷۱. ششمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی

سلیمان زاده، سعید (۱۳۹۷). راهبرد سیاست خارجی ترامپ: هیبرید نوانزواگرایی-واقع‌گرایی. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، سال هشتم، شماره بیست و هشتم

محمدزاده ابراهیمی، فرزاد و ملکی، محمدرضا و سیدجواد، امام جمعه‌زاده (۱۳۹۵). راهبرد خاورمیانه اوباما؛ از واگذاری مسئولیت تا همراهی محدود. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، سال ۱۳۹۵، شماره بیست و هشتم

مدرس، محمدولی (۱۳۹۶). نقش مجتمع‌های نظامی-صنعتی در سیاست خارجی ایالات متحده. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم

- Gates, Robert M. (2015) *Duty: Memoirs of a Secretary at War*, New York: Vintage Books.
- Donnelly, Jack (2005) "Realism", in *Theories of International Relations*, edited by Scott Burchill & et al., 29-54. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Rampton, Roberta (2016) *Obama sends more Special Forces to Syria in fight against IS*, Reuters, April 26, <http://www.reuters.com/article/us-mideastcrisis-usa-syria-idUSKCN0XL0ZE>
- Rose, Gideon (1998) *Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy*, "World Politics", Vol. 51, No. 1, pp. 144-72.
- Robinson, Jerry (2016) *Preparing for the Collapse of the Petrodollar System, Part 1*, "FTM Daily", <http://ftmdaily.com/preparing-for-the-collapse-of-thepetrodollar-system/>
- Schweller, R. L. (1993) *Tri polarity and the Second World*, "International Studies Quarterly", Vol. 37, No. 1, pp. 73-103.
- Schweller, R. L. (2008) *Unanswered Threats: Political Constraints on the Balance of Power*, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Schweller, R. L. (2004) *Unanswered Threats: A Neoclassical Realist Theory of Under balancing*, "International Security", Vol. 29, No. 2, pp. 159-201.
- Schweller, R. L. (2013) *Jervis's Realism*, "in Psychology, Strategy and Conflict: Perceptions of Insecurity in International Relations Theory", edited by James W. Davis, 25-46. New York: Routledge.
- David, Steven R. (2015) *Obama: The Reluctant Realist*. "The Begin- Sadat Center, Mideast Security and Policy Studies No 113, Bar-Ilan University.
- Schweller, R. L. (2014) *China's Aspirations and the Clash of Nationalisms in East Asia: A Neoclassical Realist Examination*, "International Journal of Korean Unification Studies", Vol. 23, No. 2, pp. 1-40
- Walt, Stephen M. (2005) *Taming American Power: The Global Response to U.S. Primacy*, New York: Norton.